

بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی و تصمیمات مالیاتی در شرکت ها پذیرفته شده در بورس

صدیقه ملکی خیمه سری^۱

هادی بشیری چلکاسری^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۸ تاریخ چاپ: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱

چکیده

یکی از موارد مهم برای منابع درآمدی آینده، مالیات است. مالیات علاوه بر تأمین مالی مورد نیاز دولت، نقدینگی را نیز کنترل کرده و ضمن توزیع بهتر درآمد و ثروت کشور، آن ها را در محل های مناسب خرج می کند. اجتناب مالیاتی و فرار از پرداخت مالیات در کشورها باعث شده است تادراآمدهای مالیاتی از آنچه برآورد شده است کمتر باشد. محافظه کاری و اجتناب مالیاتی از جمله سیاست هایی هستند که می توانند به منظور انگیزه های مالیاتی مورد استفاده شرکت ها قرار گیرند. شواهد حاکی از این می باشد که محافظه کاری ابزاری رایج و قابل قبول برای کاهش مالیات بر درآمد شرکت ها می باشد و حاکمیت شرکتی مناسب، موجبات افشا و گزارشگری بموقع توسط شرکت ها را فراهم می کند. عدم وجود سازوکارهای حاکمیت شرکتی مناسب، میتواند زمینه را برای اقدامات فرصت طلبانه مدیران فراهم سازد؛ یکی از این اقدامات فرصت طلبانه سوق دادن فعالیتهای اجتناب مالیاتی و فرار مالیاتی در جهت منافع خودشان میباشد که میتواند موجب اتلاف منابع مالیاتی گردد. هدف حاکمیت شرکتی، حصول اطمینان از عدم وقوع رفتار فرصت طلبانه است که از طریق کاهش مشکلات نمایندگی و اطلاعات نامتقارن بالقوه بین نماینده مدیر و ذینفعان مختلف (سهامداران، اعتباردهندگان و غیره)، تحقق می یابد. کاهش این گونه مشکلات، باعث افزایش اعتبار به دفاتر شرکت ها و مانع اجتناب از مالیات و فرار مالیاتی می گردد. کمیت، کیفیت و بموقع بودن اطلاعات افشا شده از سوی مدیران شرکت، یکی از مهمترین ابزارهای تصمیم گیری برای جلوگیری از فرار و اجتناب مالیاتی می باشد. این تحقیق به بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی و تصمیمات مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس می باشد. مطالعه مروری حاضر از طریق جمع آوری اطلاعات مورد نیاز تحقیق با استفاده از جستجو در پایگاههای دادهای داخلی و SID, Magiran, و Irandoc روش کتابخانه ای و با مراجعه به منابع معتبر، کتب و مقالات گردآوری شده است.

واژگان کلیدی

حاکمیت شرکتی، تصمیمات مالیاتی، حاکمیت شرکتی، شرکت های پذیرفته شده در بورس

۱. کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی-مدیریت مالی.

۲. کارشناس ارشد مدیریت مالی-مدیریت مالی.

مقدمه

در اکثر کشورها، بخش عمده‌ای از منابع درآمدی دولت از طریق مالیات تامین می‌شود. سهم از کل درآمدهای عمومی در میان کشورها متفاوت است. در این میان، اجتناب و فرار مالیاتی در کشورها باعث شده است تا درآمدهای مالیاتی کشورها همواره از آنچه که برآورد شده است کمتر باشد. بنابراین، از جمله موضوعات بسیار مهم که در حال حاضر در اکثر پژوهشها مورد توجه است، بحث اجتناب و فرار مالیاتی، نحوه اندازگیری، عوامل موثر بر آن و نتایجی است که از آن حاصل می‌شود. زیرا اجتناب مالیاتی در محدودهای معین جهت استفاده از مزایای مالیاتی است و به طور عمده قوانین محدودکنندهای در زمینه کنترل اجتناب مالیاتی وجود ندارد. بنابراین، به نظر میرسد بسیاری از شرکتها درگیر اجتناب مالیاتی باشند و به همین دلیل تعیین عوامل تأثیرگذار بر سطح اجتناب مالیاتی در شرکتها دارای اهمیت زیادی است. شرکتها معمولاً به وسیله انتقال سود از حوزه مالیات بالا به یک منطقه کم مالیات و قیمت گذاری کالاها و خدمات فروخته شده بین شرکت‌های وابسته از پرداخت مالیات اجتناب می‌کنند. نحوه برآورد سود مشمول مالیات یا به عبارت دقیقتر، تفاوت دفتری مالیات و پرداختهای مالیاتی از جمله عوامل بسیار مهمی هستند که می‌توان از طریق آن اجتناب مالیاتی را اندازگیری نمود. پرداخت‌های مالیاتی از جمله هزینه‌های عمده‌ای است که افراد و بنگاه‌ها به موجب فعالیت‌های درآمدزای خود متحمل می‌شوند. از آنجاکه پرداخت مالیات، ثروت را از شرکت و مالکان آن به دولت منتقل می‌کند، اغلب شرکت‌ها اقدامات مدیریتی را به گونه‌ای طراحی و اجرا می‌کنند که تعهدات مالیاتی شرکت را به حداقل

برساند (Chyz et al 2014)

با توجه به بحث و بررسی حاکمیت شرکتی و کیفیت گزارشگری مالی در کشورهای توسعه یافته، بر سازوکارهای مشخص حاکمیت شرکتی از جمله تمرکز مالکیت (هان، ۷، ۵۰۰۲)، (استقلال هیئت مدیره پتره، ۵، ۵۰۰۶)، مالکیت مدیران (بالستا و مکا، ۸، ۵۰۰۶) و کیفیت حسابرس (آگراوال و چاندها، ۴، ۵۰۰۲) تأکید شایان توجهی شده است. اهمیت کیفیت گزارشگری مالی و نقش حاکمیت شرکتی در بهبود آن، که در نهایت میتواند به ایجاد جو اعتماد و اطمینان در بازارهای سرمایه و در نتیجه تخصیص بهینه منابع منجر شود، ضرورت پرداختن به این حوزه را برجسته میکند. به طور مثال موجه‌ای گسترده از تقلب‌های اخیر حسابداری در جامعه مالی بین‌المللی، انتقادهای گسترده‌ای در رابطه با کیفیت گزارشگری مالی مطرح کرده است (آگراوال و چاندها، ۵۰۰۲) شرکتها برای رهایی از مالیات، روش‌های متفاوتی را در پیش میگیرند و بدین منظور به روش‌های گوناگون سعی در کاهش سود قبل از کسر مالیات به منظور کاهش مالیات پرداختی دارند. به این جهت سعی در برجسته کردن ارقام و اعداد کاهنده سود حسابداری دارند و با نشان دادن وضعیتی نامناسب از شرکت، انگیزه‌های سازمانهایی چون سازمان امور مالیاتی و غیره را کاهش داده و فشارها و تهدیدات ناشی از افزایش هزینه‌های سیاسی، هزینه مالیات بر درآمد که منجر به خروج وجه نقد از شرکت و کاهش ارزش شرکت می‌شود را می‌کاهند (رضایی، قنای نژاد، ۱۳۹۱) حاکمیت شرکتی چارچوبی برای ایجاد محیط پاسخگویی، اعتماد و شفافیت است. به دلیل جدایی نمایندگان (مثلاً مدیران) و سهامداران، حاکمیت شرکتی با مشکلات نمایندگی مواجه

است. حاکمیت شرکتی یکی از ابزار مهم برای کاهش تضادهای بین نمایندگان است و می تواند بر ساختار سرمایه شرکت تاثیر بگذارد. چانگ و همکاران (۲۰۱۴) مبانی نظری و شواهد تجربی نشان می دهد شرکتها در تلاش اند مالیات بر درآمد خود را کاهش داده یا به تعویق بیندازند. اجتناب مالیاتی، جسورانه بودن مالیات، فرار مالیاتی، مدیریت سود و غیره، ابزارهایی هستند که شرکت ها ممکن است برای کاهش مالیات در صورت لزوم، بسته به وضعیت از آنها استفاده کنند. (Hanlon, & Heitzman, 2010) از جمله این روشها کاربرد نادرست یا افراط و تفریط در استفاده از استانداردهای حسابداری (تقلب در حسابداری) در گزارشگری مالی به طوری که این روشها مغایر با قانون مالیاتهای مستقیم نباشد (اجتناب مالیاتی) را می توان نام برد (وکیلی فرد و جبارزاده، ۱۳۸۸)

اما صرف نظر از این موضوع، همچنان ت اد منافع بین ذینفعان با توجه به استراتژی یک شرکت برای حذف یا کاهش مالیات، میتواند منفعتی برای سهامداران و مدیرانش فراهم نماید، اما این استراتژی به ضرر دولت و جامعه تمام شود. تحقیقات مربوط به اجتناب مالیاتی، عموماً روی موضوعاتی نظیر اعتبارات مالیاتی، سهامداران و جامعه متمرکز شده است. با توجه به مفاهیم تئوری نمایندگی باید اذعان نمود که مدیران در خصوص افزایش ارزش شرکت پاسخگو میباشند و مالکین نیز درصدد ارزیابی مدیران و کارگزاران هستند تا دریابند آیا آنها وظایف خود را به درستی ایفا می نمایند یا خیر؟ علاوه بر این، آنها مایلند تا بدانند مدیران چگونه و از چه طریق به اهداف تعیین شده دست میابند. در این بین ممکن است از منظر سهامداران؛ فریب دولت و گریز از پرداخت مالیات، نه تنها توجیه پذیر باشد؛ بلکه مطلوب و پسندیده هم واقع شود، چراکه مبانی نظری و شواهد تجربی حاکی از آن است که اجتناب مالیاتی می تواند ابزاری برای ذخیره مالیات و کاهش هزینه های شرکت و به تبع آن، افزایش ثروت سهامداران باشد (حسینو و کلامم ۲۰۱۲). درحالی که جامعه و بخش عمومی انتظار دارند شرکتها شهروندان خوبی باشند و سهم مالیات خود را به درستی و به موقع پرداخت نمایند و این استراتژی شرکت از منظر سایر گروهها ناپسند تلقی شود، از ایون رو، دولت باید درصدد افزایش درآمدهای مالیاتی خود برآید؛ و در این راستا، اهمیت مطالعات مربوط به مالیات و عوامل مؤثر بر درآمدهای مالیاتی دولت بیش از پیش نمایان میگردد (مشایخی و سیدی، ۱۳۹۴). در این تحقیق پدیده های اجتناب مالیاتی و محافظه کاری مالیاتی به عنوان دو ابزار شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار مورد بررسی قرار می گیرد. اجتناب از مالیات، در واقع نوعی استفاده از خلأهای قانونی در قوانین مالیاتی برای کاهش مالیات است و به طور عمده قوانین محدودکننده ای در زمینه کنترل اجتناب مالیاتی وجود ندارد. (Khani et al, 2013) اجتناب مالیاتی می تواند ابزاری برای ذخیره مالیات و کاهش هزینه های شرکت و به تبع آن، افزایش ثروت سهامداران باشد (Klamm. & Huseynov, 2012). اجتناب مالیاتی در چارچوب قوانین مالیاتی انجام می شود و مؤدی دلیلی برای نگرانی کشف احتمالی اقدامات خویش ندارد. در اجتناب مالیاتی فرد نگران بر ملا شدن عمل خود نیست؛ چراکه وی عمل غیر قانونی انجام نداده است و این عامل باعث ترغیب به پدیده ی اجتناب مالیاتی می شود. (Hanlon, & Heitzman, 2010) محافظه کاری را نیز می توان مکانیسمی برای کنترل انگیزه های مدیران برای گزارش بیش از واقع سود و بازدارنده از رفتارهای فرصت طلبانه و خوش بینانه بیش از حد در ارائه اطلاعات مدیران بعنوان نماینده مالکان نیز تلقی کرد (بدیعی و همکاران، ۱۳۹۳). محافظه

کاری در حسابداری سابقه ای طولانی دارد. طارق و راشا (۲۰۱۱) معتقدند که محافظه کاری طی قرن‌ها، تئوری و عمل حسابداری را تحت تاثیر قرار داده است. این محققین محافظه کاری را زمانی می‌داند که اخبار بدسریعتر از اخبار خوب در گزارشات حسابداری منعکس می‌شود. (Tariq & Rasha, 2011) شواهد تجربی نشان می‌دهد که شرکت‌ها برای کاهش مالیات انگیزه دارند تا با اعمال حسابداری محافظه کارانه، در هزینه مالیاتی خود صرفه جویی نمایند. از سوی دیگر بررسی رابطه بین تفاوت مالیات تشخیصی و قطعی با مالیات ابرازی نشان می‌دهد که استراتژی کاهش مالیات بوسیله اعمال حسابداری محافظه کارانه که توسط شرکت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد نیز از جانب دولت قانونی قلمداد می‌شود؛ چرا که در صورتیکه چنین استراتژی از نظر دولت غیرقانونی قلمداد شود؛ دولت می‌تواند مالیاتی بیشتر نسبت به مالیات ابرازی برای شرکت‌هایی که رویه محافظه کارانه ای در پیش گرفتند تعیین نمود (مهرانی و سیدی، ۱۳۹۳)

بیان مسئله تحقیق

در اکثر کشورها، بخش عمده ای از منابع درآمدی دولت از طریق مالیات تأمین می‌شود. در این میان، اجتناب و فرار مالیاتی در کشورها باعث شده است تا درآمدهای مالیاتی کشورها همواره از آنچه برآورد شده، کمتر باشد. از دیدگاه نظری، منظور از اجتناب مالیاتی، تلاش در جهت کاهش مالیات‌های پرداختی است (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰) اجتناب مالیاتی نیازمند وجود برخی مهارتهایی است که در یک سطح خاص از آموزش میتوان به دست آورد. محافظه کاری و اجتناب مالیاتی از جمله سیاست‌هایی هستند که می‌توانند به منظور انگیزه‌های مالیاتی مورد استفاده شرکت‌ها قرار گیرند و در این میان حاکمیت شرکتی یکی از عواملی است که می‌تواند بر آن تاثیر داشته باشد (مهرانی و سیدی، ۱۳۹۳). برخی از پژوهشگران استدلال نمودند که حاکمیت شرکتی عاملی مؤثر بر نوع واکنش شرکت نسبت به تغییرات نرخ مالیات شرکت‌ها است هنگامیکه دولت ضعیف باشد، افزایش نرخ مالیاتی منجر به این میشود که شرکت‌ها تدابیری بیندیشند که مالیات بنگاه را کاهش دهند. شرکت‌ها این کار را از طرق مختلفی مانند نقض و تخطی از قوانین و استفاده از خلأهای قانونی و غیره انجام می‌دهند. در حالی که اگر حاکمیت شرکتی قوی باشد، افزایش نرخ مالیاتی بنگاه میتواند زمینه کسب بازدهی بیشتری را برای شرکت فراهم نماید. پژوهشهای تجربی حاکی از آن است که فعالیتهای اجتناب مالیاتی میتواند هزینه‌های غیرمالیاتی مستقیم و غیرمستقیم برای شووورکوت بوه وجود آورد (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰) از طرف دیگر مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی باید بتواند فعالیتهای اجتناب مالیاتی را در راستای حداکثر کردن ثروت فعالان بازار سرمایه هدایت کند. با توجه به اینکه از یکسو، تمرکز حاکمیت شرکتی روی هیئت مدیره بوده و وظیفه هیئت مدیره، حداکثر کردن ثروت سهامداران است و از سوی دیگر این دیدگاه وجود دارد که اجتناب مالیاتی میتواند ابزاری برای افزایش ثروت سهامداران باشد، انتظار می‌رود هر چه مکانیسمهای حاکمیت شرکتی قویتر باشد، اجتناب مالیاتی بیشتری انجام گیرد؛ اما از طرفی چنانچه دیدگاه تئوری نمایندگی مطرح باشد، به دلیل آنکه حاکمیت شرکتی بر شفافیت اطلاعات و از بین بردن عدم تقارن اطلاعاتی تأکید دارد، انتظار می‌رود حاکمیت شرکتی قوی بتواند با استفاده از مکانیسم‌های نظارتی و راهبری، سوءاستفاده مدیریت از اجتناب مالیاتی را کاهش دهد (مشایخی و علی

پناه، ۱۳۹۴). حاکمیت شرکتی در اجرا و پیاده سازی محافظه کاری مالیاتی نقش مهم و معناداری را ایفا می کند. حاکمیت شرکتی در واقع مجموعه ایی از مکانیزم هایی است که (۱) تضمین می کند که دارایی های شرکت به طور موثر و کارآمد مورد استفاده قرار می گیرند؛ (۲) و از توزیع نامناسب دارایی ها به مدیران یا شرکای دیگر به بهای بقیه ی سهامداران جلوگیری می کند. از این رو، حاکمیت قوی تر منجر به کنترل بهتر مدیریت، می شود، اطلاعات حسابداری به موقع ارائه داده می شوند، و احتمال تحمیل هزینه های دعوی قضایی کاهش می یابد. بنابراین می توان مطرح کرد که شرکت هایی با حاکمیت شرکتی قوی تر میزان بیشتر و بالاتری از محافظه کاری را نشان خواهند داد (Lara et al, 2005). در این زمینه، یک دیدگاه مکمل بر این باور است که حاکمیت کافی و مناسب منجر به کنترل و سازمان دهی بهتر مدیریت می شود و از این رو انتظار می رود که حاکمیت شرکتی موثر و کارآمد به اجرا و پیاده سازی محافظه کاری می انجامد. دو مشاهده ی موجود در ادبیات این دیدگاه را حمایت می کند. اولاً، واتس و واتس در سال ۲۰۰۳، تشریح کردند که تقاضا برای محافظه کاری از نقش قراردادی حسابداری نشئت می گیرد. احمد و دولمن در سال ۲۰۰۷، شواهدی را ارائه دادند که محافظه کاری به مدیران در کاهش هزینه های نمایندگی شرکت کمک می کند (Chi et al, 2009). حاکمیت شرکتی بهتر، از طریق افزایش مالکیت سازمانی، باید منجر به اتحاد و هماهنگی بهتر انگیزه های مدیران و سهامداران شود و بنابراین باید منجر به یک سطح اجتناب مالیاتی ایی شود که به انتخاب بهینه از نقطه نظر سهامداران نزدیک تر باشد. در واقع این ارتباط با توجه به افزایش یا کاهش در نرخ های مالیاتی اثربخش و موثر به این امر بستگی دارد که آیا سطح اولیه ی سرمایه گذاری در اجتناب مالیاتی بسیار کم یا بسیار زیاد است یا خیر (Bird & Karolyi, 2015). می توان بیان داشت که مکانیزم های حاکمیت شرکتی نقش مهم و معناداری را در اجتناب مالیاتی ایفا می کنند. حاکمیت شرکتی سطح شرکت، به طور دقیق تر، مالکیت سازمانی از تعیین کنندگان با اهمیت در ایجاد انگیزه های قوی در تغییر تصمیمات و فعالیت های اجتناب مالیاتی محسوب می شود. کیفیت حاکمیت شرکتی منجر به تاثیرگذاری اجتناب مالیاتی بر ارزش شرکت می شود، برای مثال، برای شرکت های دارای حاکمیت شرکتی مطلوب منجر به نتایج مطلوب و خوشایند می شود. (Kholbadalov, 2012)

تعریف مفاهیم

اجتناب مالیاتی

برای درک بهتر مسائل پیرامون اجتناب از مالیات، ابتدا مفاهیم برنامه ریزی مالیاتی، اجتناب از مالیات و فرار مالیاتی به صورت خلاصه تشریح، تفاوت ها و شباهت های بین آنها بیان می شود و سپس به صورت تفصیلی به مبحث اجتناب از مالیات پرداخته خواهد شد.

هدف هر مودی مالیات، کاهش بدهی مالیاتی است. برای دستیابی به این هدف، مودی ممکن است سه روش زیر را انجام دهد:

۱ برنامه ریزی مالیاتی

۲ فرار مالیاتی

۳ اجتناب از مالیات

۱- برنامه ریزی مالیاتی

هدف برنامه‌ریزی مالیاتی ترتیب‌دادن تلاشهای مالی در جهت کاهش مالیات است. در برنامه‌ریزی مالیاتی توسط سه روش اساسی ۱- گرفتن یک کسری یا تخفیف، ۲- معافیت مالیاتی و ۳- پرداخت بخشی از بدهی مالیاتی توسط انجام یک فعالیت در ازای آن، کاهش مالیات انجام میشود. در واقع، برنامه‌ریزی مالیاتی در شرکت باعث تشویق پسانداز و صرفه‌جویی میشود. این صرفه‌جویی و پسانداز می‌تواند از طریق سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار دولتی و یا تغییر محل اقامت به یک پناهگاه مالیاتی انجام گیرد. پناهگاه مالیاتی، منطقه یا کشوری است که نرخ مالیات در آن پایینتر است (اگراوال، ۲۰۰۷).

۲- فرار مالیاتی

فرار از مالیات یک واژه کلی برای تلاشهای اف‌فرار از مالیات یک واژه کلی برای تلاشهای افراد حقیقی، شرکت‌ها و سازمان‌ها، اتحادیه‌ها و غیره برای پرداختن مالیات به صورت غیرقانونی است. فرار مالیاتی یعنی مودی مالیات به صورت عمدی صورت‌های مالی و اطلاعات درست را پنهان کند یا گزارش‌های مالی را به صورت نادرست به مقام مالیاتی برای کاهش بدهی مالیاتی ارائه نماید. هر روش غیرقانونی که باعث کاهش بدهی مالیاتی شود فرار مالیاتی محسوب میشود. پنهان کردن درآمد یا اظهار آن کمتر از واقعیت، اظهار بیشتر از واقعیت هزینه‌ها، تحریف مقادیر و نقض قوانین از جمله راههای فرار از مالیات محسوب میشوند (اگراوال، ۲۰۰۷).

تعریف فرار مالیاتی در ایران

فرار مالیاتی نوعی تخلف قانونی، اما اجتناب از مالیات، در واقع نوعی استفاده از خلاءهای قانونی در قوانین مالیاتی جهت کاهش مالیات است، بنابراین از آنجایی که اجتناب مالیاتی، فعالیتی به ظاهر قانونی است، از این رو به نظر می‌رسد بیشتر از فرار مالیاتی در معرض دید باشد و چون اجتناب مالیاتی در محدوده‌ای معین جهت استفاده از مزایای مالیاتی است و به طور عمده قوانین محدود کننده‌ای در زمینه کنترل اجتناب مالیاتی وجود ندارد (محمد جم، ۱۳۷۹) در تعریف فرار مالیاتی به هرگونه تلاش قانونی یا غیرقانونی یک کسب‌وکار با هدف خودداری از پرداخت مالیات قانونی یا کمتر پرداخت نمودن آن، به هر شیوه که انجام شود، فرار مالیاتی می‌گویند. فرار مالیاتی (فرار از مالیات) یک اصطلاح رایج در رابطه با کارهایی است که برای عدم پرداخت مالیات در نظر گرفته می‌شود و به این معنی است که مؤدی کمتر از میزانی که قانوناً موظف است پرداخت مالیات را انجام دهد.

۳- اجتناب از مالیات

منظور از اجتناب مالیاتی، تلاش در جهت کاهش مالیاتهای پرداختی است. در واقع اجتناب از مالیات، نوعی استفاده از خلاءهای قانونی در قوانین مالیاتی در جهت کاهش مالیات است (هانلون و همکاران، ۲۰۱۰). اجتناب از مالیات یک فعالیت گریز از مالیات بدون شکستن خطوط قوانین و درون چارچوب قوانین مالیات است (اگراوال، ۲۰۰۷). تفاوت‌های اجتناب مالیاتی با برنامه‌ریزی مالیاتی و فرار از مالیات به صورت خلاصه ارائه شده است. اجتناب مالیاتی از طریق کاهش آشکار مالیات به ازای هر ریال سود حسابداری قبل از مالیات قابل تعریف است (مشایخی و سیدی، ۱۳۹۴).

تفاوت بین فرار از مالیات و اجتناب از مالیات

- فرار از مالیات از یک روش غیرقانونی برای کاهش مالیات استفاده میکند.
- *اجتناب از مالیات از یک روش قانونی برای کاهش مالیات استفاده میکند.
- فرار از مالیات به وسیله بکارگیری روش های غیرمنصفانه انجام میشود.
- *اجتناب از مالیات به وسیله بکارگیری مزایای روزنه و خلاءهای موجود در قوانین انجام میشود.
- فرار از مالیات یک روش غیرقانونی است و ممکن است منجر به مجازات شود.
- *اجتناب از مالیات به وسیله بکارگیری مزایای روزنه و خلاءهای موجود در قوانین انجام میشود.
- فرار از مالیات یک تقلب آشکار است و بعد از اینکه بدهی مالیاتی افزایش یابد انجام میشود

حاکمیت شرکتی:

حاکمیت شرکتی، شامل مجموعه ای از روابط بین مدیریت شرکت، هیأت مدیره، سهامداران و ذی نفعان دیگر است. علاوه بر آن، ساختاری ارائه میکند که از طریق آن، اهداف شرکت، ابزار دستیابی به آن، اهداف و نظارت بر عملکرد شرکت تعیین می شود؛ در این مقاله، به طور مختصر به شرح مفهوم حاکمیت شرکتی، دلایل اهمیت آن در دوران مدرن، وظایف هیأت مدیره در باب این مهم، کمیت حاکمیت شرکتی، نظریه نمایندگی و برنامه افشاگری در چارچوب حاکمیت شرکتی پرداخته و در پایان نیز ضمن نتیجه گیری پیشنهادی عملی ارائه شده است. تعاریف بسیاری از حاکمیت شرکتی وجود دارد طبق گفته سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) حاکمیت شرکتی مجموعه ای از روابط بین مدیریت شرکت، هیأت مدیره آن، سهامداران و سایر ذینفعان است. حاکمیت شرکتی همچنین، ساختاری را فراهم می کند که از طریق آن اهداف شرکت تعیین شده و ابزار دستیابی به این اهداف و نظارت بر عملکرد تعیین می شود حاکمیت شرکتی خود باید انگیزه های مالی را برای هیأت مدیره و مدیریت در جهت پیگیری اهدافی که به نفع شرکت و سهامداران است را فراهم نماید و نظارت موثر را تسهیل کند و در نتیجه شرکتها را به استفاده اثربخش تر از منابع تشویق کند. در واقع، حاکمیت شرکتی نظامی است که شرکت ها به وسیله آن تحت هدایت و کنترل قرار می گیرند. ساختار حاکمیت شرکتی به اشکال و صور قابل پیاده سازی است که به ساختار سازمان و نوع فرهنگ غالب بستگی دارد.

چارچوب نظری تحقیق:

کائو و همکاران (۲۰۱۵) حاکمیت شرکتی و ابعاد آن را به عنوان یک مکانیزم اثرگذار بر تصمیمات مالیاتی شرکت ها نام برده اند. ابعاد حاکمیت شرکتی شامل دوگانگی وظیفه ی مدیریت عامل، اندازه ی هیئت مدیره، درصد مالکیت سهامداران و درصد اعضای غیرموظف می باشد. (Cao et al, 2015) دوگانگی وظیفه ی مدیر عامل، اندازه ی هیئت مدیره، درصد مالکیت سهامداران شرکتی و درصد اعضای غیرموظف به عنوان ابعادی از حاکمیت شرکتی به شمار می رود، که بر تصمیمات مالیاتی شرکت ها تاثیر دارد. (Jarboui et al, 2015) اجتناب مالیاتی نیازمند وجود برخی مهارتهایی است که در یک سطح خاص از آموزش میتوان به دست آورد. بنابراین، نتایج گزارش شده در ارتباط بین

سطح آموزشی مالیات دهندگان و اجتناب مالیاتی نشان از وجود روابط معنادار میان این دو متغیر دارد. به عنوان مثال (آورباخ و همکاران ۲۰۰۲)

طی پژوهشی نشان دادند که موضوع اجتناب مالیاتی به این دلیل که مالیات دهندگان تکنیکهای مناسبی را جهت دستیابی به پناهگاههای مالیاتی آموخته اند، در طول زمان افزایش یافته است (مورفی ۲۰۰۶)

تاکنون هیچگونه تعریف جامع و قابل قبولی از اجتناب مالیاتی در ادبیات حسابداری صورت نگرفته است. با توجه به سطح وسیعی از تعاریف مطرح شده در این زمینه اجتناب مالیاتی بیانگر یک استراتژی مستمر و پایدار در زمینه برنامه ریزی مالی استراتژیک است که دربرگیرنده فعالیتهای کاملاً قانونی است که از آن جمله می توان به هدایت منابع واحد تجاری در جهت فعالیتهای معاف از مالیات از جمله سرمایه گذاری در اوراق مشارکت، مطرح کردن معاملات و رویدادها در یک محدوده زمانی معین جهت استفاده از مزایای مالیاتی و استفاده از روشهای حسابداری که صرفه جویی مالیاتی (سپر مالیاتی) بیشتری ایجاد می کنند، اشاره نمود. فعالیتهای اجتناب از مالیات اساساً تحت عنوان شیوه هایی برای جلوگیری از انتقال وجه نقد از سهامداران به سوی دولت شناخته می شود، که این امر افزایش ارزش شرکت را نیز در بر خواهد داشت. مسئله ایجاد شده در این رابطه این است که اجتناب مالیاتی همیشه به نفع سهامداران نمی باشد و مدیران فرصت طلب ممکن است به بهانه اجتناب مالیاتی منابع را در جهت منافع شخصی هدایت یا برداشت نمایند، که این موضوع موجب افزایش هزینه های سهامداران و در نتیجه موجب فرونی مخارج اجتناب مالیاتی به منافع آن می شود

(رضایی، قنای نژاد، ۱۳۹۱) در مقابل اجتناب مالیاتی، فرار مالیاتی قرار می گیرد. تمایز بین این دو مفهوم به قانونی و غیرقانونی بودن رفتار مودیان مربوط می شود. به طور کلی فرار مالیاتی یک نوع تخلف غیرقانونی و غیررسمی می باشد و شامل تحریف عمدی اطلاعات و فریبکاری است. در قانون برای فرار مالیاتی در صورت مشخص شدن آن جرایمی تعیین شده در حالی که اگر فعالیت های تجاری با انگیزه اجتناب مالیاتی انجام شود، محاکم قضایی و هیأت های حل اختلاف نمی توانند آن فعالیت های تجاری را باطل اعلام نمایند. زیرا قوانین محدود کننده ای در زمینه اجتناب از پرداخت مالیات وجود ندارد و معاملات انجام شده واقعی بوده و حتی اگر در جهت اجتناب مالیاتی هم باشد نمی توان آن را باطل اعلام نمود. با توجه به فقدان محدودیت های قانونی تنها موردی که می تواند از اجتناب مالیاتی جلوگیری نماید، در پاسخ به این پرسش است که آیا اجتناب از پرداخت مالیات در حدود قانون و بدون در نظر گرفتن جنبه های اخلاقی آن قابل قبول است یا خیر؟

هیئت مدیره شرکتها نقش محوری را در نظام راهبری شرکت ایفا می کنند. مسئولیت اصلی هیئت مدیره ایجاد راهبری کارآمد بر امور شرکت و فراهم نمودن نظارت مستقل بر عملکرد مدیران اجرایی و الزام مدیران به پاسخگویی در قبال سهامداران و تعادل در منافع ذینفعان مختلف شرکت است. باور عمومی بر این است که هیئت مدیره زمانیکه از استقلال بیشتری برخوردار است، نظارت مؤثرتری بر مدیران اجرایی اعمال می کند (محمودزاده ی باغبانی و پورغفار دستجردی، ۱۳۹۳). شفافیت گزارشگری مالی برنامه ریزی-های اجتناب از پرداخت مالیات، صرفه -جویی مالیاتی برای شرکت به ارمغان می آورد. با این حال، به طور همزمان پیچیدگی مالی و سازمانی شرکت را افزایش می -دهد و به حدی می رسد که

نمی‌توان با بخش های خارج از شرکت (مانند سرمایه گذاران، بستانکاران و تحلیلگران) به درستی ارتباط برقرار کرد و بدین صورت مشکلات شفافیت گزارشگری مالی افزایش می-یابد (بالاکریشان و همکاران، ۲۰۱۱) (شفافیت گزارش مالی)

یکی از مهم ترین مواد قانونی در جرم‌انگاری فرار مالیاتی مربوط به ماده ۱۹۹ و ۲۰۰ قانون مالیات‌های مستقیم است که بر این اساس، «هر شخص حقیقی یا حقوقی که به موجب مقررات این قانون مکلف به کسر و ایصال مالیات مؤدیان دیگر هست در صورت تخلف از انجام وظایف مقرر علاوه بر مسئولیت تضامنی که با مؤدی در پرداخت مالیات خواهد داشت مشمول جریمه‌ای معادل ۲۰ درصد مالیات پرداخت نشده خواهد بود.» بر اساس تبصره یک این ماده ۱۹۹ قانون، حتی برای متخلفان دولتی نیز مجازات جرم مالیاتی پیش‌بینی شده و آمده است: «در مواردی که مکلفین به کسر مالیات، وزارتخانه، شرکت یا مؤسسه دولتی یا شهرداری باشد مسئولین امر مشمول مجازات مقرر طبق قانون تخلفات اداری خواهند بود افزایش نرخ‌های مالیاتی در تمامی کشورها می‌تواند منجر به بی‌انگیزگی در سرمایه‌گذاری شود و زمینه لازم فرار مالیاتی و دور زدن مالیات را نیز فراهم می‌آورد؛ بنابراین دولت‌ها و اداره مالیات کشور هم باید در وضع نرخ مالیاتی و قوانین جانب احتیاط را رعایت کنند و جوانب را با دقت بیشتری بسنجند.

پیشینه تحقیق:

عبدالله خانی و کریم ایمانی و مهناز ملایی (۱۳۹۲) با مطالعه ای با عنوان بررسی رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی شرکتهای پذیرفته شده در بورس برای دوره زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۷ جستجو نمودند. در این تحقیق، تخصص حسابرس در صنعت به سه دسته، شامل تخصص مالیاتی، تخصص حسابرسی صورتهای مالی و کلی (ترکیب تخصص مالیاتی و حسابرسی صورتهای مالی) تقسیم شده و برای اندازه گیری اجتناب مالیاتی از سه متغیر نرخ مؤثر مالیات، نرخ مؤثر نقدی مالیات و تفاوت درآمد قبل از مالیات و درآمد مالیاتی (تفاوت مالیاتی) استفاده شده است. نتایج بیانگر آن است که بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی شرکت ارتباط معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، شرکتهایی که حسابرس آنها متخصص صنعت باشد دارای نرخ مؤثر مالیات کمتر، نرخ مؤثر مالیات نقدی کمتر و تفاوت دفتری مالیات بیشتری نسبت به شرکتهایی که حسابرس آنها تخصص صنعت نیست. این امر نشان دهنده سطح بالای اجتناب مالیاتی شرکتهاست. فرزین رضایی و روح اله جعفری نیارکی (۱۳۹۴) با مطالعه باعنوان رابطه بین اجتناب مالیاتی و تقلب حسابداری در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی سالهای ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۰ انجام شد که نتایج حاصل از این تحقیق نتایج تحقیق دلالت بر وجود رابطه مستقیم و معنی دار میان اجتناب مالیاتی و تقلب در حسابداری شرکتهای در زمانیکه معیار سنجش اجتناب مالیاتی نرخ مؤثر مالیات نقدی و اختلاف دائمی مالیات باشد، دارد. همچنین در زمانیکه اجتناب مالیاتی با نرخ مؤثر مالیات نقدی بلندمدت سنجیده می‌شود، رابطه معناداری میان اجتناب مالیاتی و تقلب در حسابداری شرکتهای مشاهده نشد. لیزوسسکی و پیت من (۲۰۱۲)، به بررسی ارتباط بین تقلب در گزارشدهی مالیاتی و تقلب در حسابداری با اتکا به چند معیار برای اجتناب مالیاتی شامل نرخ های مؤثر مالیاتی و اختلافهای دائمی مالیات و گزارش کمیسیون امنیت بورس اوراق بهادار آمریکا درمورد شرکتهای متقلب پرداختند و

نتایج آنها نشان می دهد که شرکتهای متقلب با احتمال کمتری اجتناب مالیاتی دارند. در واقع آنها به یک ارتباط منفی بین اجتناب مالیاتی و تقلب در حسابداری دست یافتند.

امید پورحیدری و سعیده برهانی نژاد (۱۳۹۱) تحقیقی تحت عنوان تأثیر خصوصیات اصول راهبری شرکتهای بر مدیریت مالیات در شرکتهای پذیرفته شده در بورس در بازه زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹ بررسی نمودند. خصوصیات اصول راهبری شرکتهای مورد استفاده در این تحقیق اندازه هیات مدیره، ترکیب هیات مدیره، دوگانگی وظایف مدیر عامل و اندازه حسابرس بوده و برای سنجش مدیریت مالیات از نرخ مؤثر مالیاتی و برای تجزیه و تحلیل داده ها از رگرسیون چند متغیره استفاده نمودند. نتایج تحقیق بیانگر ارتباط مثبت و معنادار بین نرخ مؤثر مالیاتی و دوگانگی وظایف مدیرعامل می باشد و بین ترکیب هیات مدیره و اندازه حسابرس با مدیریت مالیات ارتباط منفی و معناداری وجود دارد و اندازه هیات مدیره تأثیری بر مدیریت مالیات ندارد.

آرزو قرنجیک و منصور گرکز (۱۳۹۵) تحقیقی تحت عنوان بررسی رابطه بین مکانیزم های حاکمیت شرکی با اجتناب مالیاتی در شرکتهای پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۷ لغایت ۱۳۹۱ انجام دادند که مکانیزمهای حاکمیت شرکتی مورد استفاده در این تحقیق، درصد اعضای غیر موظف هیات مدیره، دوگانگی وظایف مدیر عامل و درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی می باشد و برای اندازه گیری اجتناب مالیاتی از سه متغیر نرخ مؤثر مالیات، نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی و تفاوت دفتری مالیات استفاده گردید نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد که بین درصد اعضای غیر موظف هیات مدیره و درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی با نرخ مؤثر مالیات، نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی و تفاوت دفتری مالیات رابطه معناداری وجود دارد اما بین دوگانگی وظایف مدیرعامل با نرخ مؤثر مالیات، نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی و تفاوت دفتری مالیات رابطه معناداری مشاهده نگردید. همچنین نتایج این تحقیق وجود رابطه معنادار بین مکانیزمهای حاکمیت شرکتی با اجتناب مالیاتی شرکت را مورد تأیید قرار می دهد.

عرب صالحی و هاشمی پژوهشی را تحت عنوان "تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی" انجام دادند. هدف این پژوهش تعیین تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی است. به منظور آزمون فرضیه های پژوهش، به بررسی ۷۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ پرداخته شد. همچنین آزمون فرضیه های پژوهش به کمک الگوی رگرسیون چندمتغیره و شیوه داده های ترکیبی انجام گرفت. نتایج حاصل از برآورد مدل پژوهش گویای آن است که اثر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی، مثبت و معنادار است. به بیان دیگر، اطمینان بیش از حد به مدیران ارشد سبب افزایش اجتناب مالیاتی در فرایند گزارشگری مالی می شود (عرب صالحی و هاشمی، ۱۳۹۴).

بهارمقدم و امینی پژوهشی تحت عنوان "بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت و جسورانه بودن مالیات" را انجام دادند. هدف اصلی این پژوهش، بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت و جسورانه بودن مالیات در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوه زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۰ است. همچنین، به این موضوع پرداخته شده است که آیا نوع مالکیت بزرگترین سهامدار (دولتی یا غیردولتی) بر جسورانه بودن رویه های مالیاتی شرکت ها تأثیر دارد یا نه. در این پژوهش، از

درصد مالکیت بزرگترین سهامدار به عنوان معیار تمرکز مالکیت و نرخ مؤثر مالیاتی به عنوان معیار جسورانه بودن مالیات استفاده شده است؛ به این صورت که هرچه نرخ مؤثر مالیاتی کمتر باشد، به این معناست که شرکت رویه های مالیاتی جسورانه تری را دنبال می کند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد که هرچه تمرکز مالکیت بالاتر باشد، شرکت ها در اتخاذ رویه های مالیاتی کمتر جسورانه عمل می کنند که احتمالاً به دلیل تمرکز مالکیت بالای دولتی است و مؤید فرضیه اجتماعی و سیاسی است (بهارمقدم و امینی نیا، ۱۳۹۳).

حقیقت و محمدی پژوهشی را تحت عنوان "بررسی رابطه ی اجتناب مالیاتی با کیفیت افشاء و ارزش شرکت" انجام دادند. نظریه مرسوم در خصوص اجتناب مالیاتی این است که انتقال منابع از مالکان به دولت را کاهش می دهد و بدین طریق منجر به افزایش ثروت مالکان می گردد. نظریه ی هزینه های نمایندگی اجتناب مالیاتی بیان می دارد که مدیران فرصت طلب از شرایط ابهام ذاتی اجتناب مالیاتی سوء استفاده کرده و اقدام به حیف و میل منابع مالکان می نمایند. جهت روشن شدن خلاف دیدگاه مذکور از شاخص کیفیت افشاء شرکتی محاسبه شده توسط سازمان بورس اوراق بهادار تهران و تفاوت سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی سالانه با استفاده از رگرسیون خطی چندگانه، رابطه ی کیفیت افشاء شرکتی و اجتناب مالیاتی و میزان توجه افراد برون سازمانی به اجتناب مالیاتی؛ مورد بررسی قرار گرفته است. بدین منظور نمونه ای متشکل از ۶۰۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره هشت ساله ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۹ بررسی شده است. یافته های پژوهش حاکی از آن است که شرکت های با شفافیت بالا، پتانسیل تضاد نمایندگی کمتر و اجتناب مالیاتی بیشتر نسبت به شرکت های با شفافیت پایین دارند و همچنین افراد برون سازمانی اهمیت خاصی به اجتناب مالیاتی شرکت ها قائل نیستند. بنابراین در شرکت هایی که برنامه های اجتناب مالیاتی اجرا می شود، وجود شفافیت قابل قبول از اهمیت ویژه ای برخوردار خواهد بود (حقیقت و محمدی، ۱۳۹۲).

چایز و همکاران پژوهشی را تحت عنوان "اطمینان بیش از حد مدیریتی و اجتناب مالیاتی" انجام دادند. آنها به بررسی تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت معناداری می گذارد. از نتایج دیگر اینکه اطمینان بیش از حد مدیریتی، نرخ مؤثر مالیات نقدی را ۶/۶ درصد کاهش می دهد و بر تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات ۱/۵ درصد می افزاید (Chyz et al., 2014).

هوگان و نويا پژوهشی را تحت عنوان "وابستگی بین فراهم کنندگان خدمات مالیاتی و تصویر از فرار مالیات" انجام دادند. به این نتیجه رسیدند شرکت هایی که خدمات مالیاتی را از حسابرس دریافت می کنند دارای صرفه جویی مالیاتی بیشتری هستند. نتایج این پژوهش از مفهوم انتقال دانش حمایت می کند و بیان می کند که دانش ایجاد شده از ارائه خدمات غیرحسابرسی به حسابرسی صورت های مالی کمک می کند و بالعکس (Hogan & Noya, 2012).

نتیجه گیری کلی

با توجه به بررسی مقالات و مطالعات بعمل آمده نتایج به اینگونه می باشد:

از آنجایی که امروزه یکی از درآمدهای مطرح و مهم دولت درآمد مالیاتی می باشد و با توجه به اینکه پرداخت مالیات برای شرکتها چالش بزرگی می باشد و بااجتناب مالیاتی و فرار مالیاتی از پرداخت سر باز می زنند و همچنین

حاکمیت شرکتی نقش به سزایی در افشاء صحیح اطلاعات شرکت دارد و همچنین حاکمیت شرکتی مناسب، موجبات افشا و گزارشگری بموقع توسط شرکت ها را فراهم می کند. هدف حاکمیت شرکتی، حصول اطمینان از عدم وقوع رفتار فرصت طلبانه است که از طریق کاهش مشکلات نمایندگی و اطلاعات نامتقارن بالقوه بین نماینده مدیر و ذینفعان مختلف (سهامداران، اعتباردهندگان و غیره)، تحقق می یابد. که این خود نیز بر نوع برخورد شرکتها با اجتناب مالیاتی و فرار مالیاتی ارتباط مستقیم دارد از این رو با توجه به نتایج حاصله رابطه بین برخی مکانیزمهای حاکمیت شرکتی را با اجتناب مالیاتی مورد تأیید قرار گرفته است. بین درصد اعضاء غیر موظف هیات مدیره و درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی با نرخ مؤثر هزینه مالیات و نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی رابطه مثبت وجود دارد و بین درصد اعضاء غیر موظف هیات مدیره و درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی با تفاوت دفتری مالیات رابطه منفی می باشد. عبارت دیگر هرچه ترکیب اعضای هیات مدیره از اعضای مستقل تری تشکیل شود درایفای نقش نظارتی خود موثرتر عمل نموده و سطح اجتناب مالیاتی شرکت کاهش می یابد. همچنین سرمایه گذاران نهادی، یک گروه از نظارت کنندگان خارجی به شمار می روند که نقش مهم در فرایند نظارت و نظام دهی به فعالیت مدیران ایفا می کنند. بین اندازه ی هیئت مدیره و اجتناب مالیاتی و محافظه کاری مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

مالیات هزینه ای است که بر کلیه واحدهای انتفاعی که به نوعی درآمدزایی می کنند، از جانب دولت تحمیل می شود. چنانچه شرکتها و اشخاص حقوقی به عنوان واحدهایی تلقی شوند که در راستای کسب سود و انتفاع، فعالیت می کنند، میتوان انتظار داشت که به دنبال راهکارهایی در جهت کاهش مالیات پرداختی خود باشند. در ادبیات مالی در کشورهای خارجی، تلاشها و راهکارهای قانونی شرکتها به منظور کاهش هزینه مالیات خود را به نام های متفاوتی از قبیل مدیریت مالیات، اجتناب از پرداخت مالیات و رویه مالیاتی جسورانه می شناسند. فعالیت های اجتناب از پرداخت مالیات به طور متداول به ابزارهای صرفه جویی مالیات که منابع را از دولت به سهامداران انتقال می دهد و بنابراین ارزش بعد از مالیات شرکت را افزایش می دهد، اتلاق می شود. از این رو برای مقابله با اجتناب مالیاتی و فرار مالیاتی حاکمیت شرکتی و افشای کامل دفاتر و همچنین برای ترقیب جهت پرداخت مالیات امتیازهایی را در نظر بگیرند تا شرکتها آثار پرداخت درست مالیات را متوجه شوند.

منابع و مأخذ

۱. ابراهیمی میمند مهدی، زمانی زینب. (۱۳۹۳). تاثیر کیفیت حسابرسی، ساختار مالکیت و ساختار هیات مدیره بر رابطه بین سود و بازده سهام. حسابرسی نظریه و عمل، ۲، ۸۹-۱۱۶.
۲. اسکندری، ناهید؛ ولی پور، هاشم و مرادی، جواد. (۱۳۹۰). بررسی مربوط بودن سطوح و اجزای صورت سود و زیان برای پیش بینی ارزش شرکت با در نظر گرفتن دو ویژگی محافظه کاری و عدم تقادن اطلاعاتی. پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
۳. اسلامی، کیمیا (۱۳۹۲). حاکمیت شرکتی در بازارهای نوظهور، ماهنامه بورس، ۱۰۱، ۳۱-۲۹.
۴. امین خاکی، علی رضا. (۱۳۹۱). آسیب شناسی تحقق درآمدهای مالیاتی با رویکردی بر جرم فرار مالیاتی. کارآگاه، ۲(۶)، ۲۱، ۲۵-۶۰.

۵. انهاری، ندا؛ پورزمانی، زهرا و روحی، علی. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین محافظه کاری شرطی و غیرشرطی با اجزای مدل ورشکستگی آلتمن. پایان نامه جهت اخذ رتبه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده اقتصاد و حسابداری.
۶. آقایی محمد علی، اعتمادی حسین، آذر عادل، چالکی پری، (۱۳۸۸). ویژگیهای حاکمیت شرکتی و محتوای اطلاعاتی سود در بورس اوراق بهادار تهران با تاکید بر نقش مدیریت سود". فصلنامه علوم مدیریت ایران، ۱۶، ۲۷-۵۳.
۷. باغبانی سعید محمودزاده، دستجردی جواد پورغفار، (۱۳۹۳). تاثیر ساختار هیئت مدیره بر مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه سیاستهای مالی و اقتصادی، ۵، ۱۰۵-۱۲۰.
۸. بولو، قاسم؛ مرفوع، محمد و ابوالحسنی طرقي، علیرضا. (۱۳۹۳). رابطه بین بازده غیرعادی و حسابداری محافظه کارانه در بورس اوراق بهادار تهران. ۱۴(۵۷)، ۲۷-۶۴.
۹. بهار مقدم، مهدی و امینی نیا، میثم. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت و جسورانه بودن مالیات. مجله پژوهش های حسابداری مالی، ۲۲، ۲۳-۳۶.
۱۰. بدیعی حسین، محمودی محمد، رضازاده روح الله، (۱۳۹۳)، تاثیر محافظه کاری مشروط و غیرمشروط بر کیفیت سود با استفاده از مدل باسو، بال و شیواکومار. فصلنامه علمی - پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱۲، ۲۳-۳۱.
۱۱. جبارزاده کنگرلویی، سعید؛ نورزاد دولت آبادی، محمد و فیضی، سمیه. (۱۳۹۱). تاثیر ساختار بدهی بر محافظه کاری شرطی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه بورس اوراق بهادار، ۲۰(۵)، ۴۷-۶۴.
۱۲. جمشیدی، نوید، بابک و ایزدی، محمد مهدی (۱۳۹۰). ساختار مالکیت بررسی تاثیر بکارگیری اصول حاکمیت شرکتی بر رفتار سرمایه گذاران در بورس اوراق بهادار تهران، مجله مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار تهران، ۶، ۲۵-۳۹.
۱۳. حساس یگانه، یحیی و مولودی، عبدالله (۱۳۹۰). رابطه حاکمیت شرکتی و ارزش ایجاد شده برای سهامداران، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات مدیریت صنعتی، ۹(۲۳)، ۲۶۱-۲۳۳.
۱۴. حساس یگانه، یحیی؛ رئیسی، زهره و حسینی، سید مجتبی (۱۳۸۸). رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علوم مدیریت ایران، ۴(۱۳)، ۷۵-۱۰۰.
۱۵. حسن زاده، علی و محمدعلیزاده، آرشد (۱۳۸۸). حاکمیت شرکتی در بانک ها (معرفی الگوها و مدل های کاربردی)، مجله تازه های اقتصاد، ۹، ۱۳۳، ۸۶-۷۴.
۱۶. حقیقت، حمید و محمدی، محمدحسن. (۱۳۹۲). بررسی رابطه ی اجتناب مالیاتی با کیفیت افشاء و ارزش شرکت. مطالعات کمی در مدیریت، ۴(۱)، ۲۰۹-۲۲۸.
۱۷. خدای پور احمد، بزرایی یونس. بررسی عوامل حاکمیتی موثر بر کیفیت افشا و تاثیر رقابت بازار بر رابطه ی بین آنها. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، ۲۰، ۲۲-۴۱.

۱۸. خدای پور، احمد؛ و ترک زاده ماهانی، علی (۱۳۹۰). مالیات و محافظه کاری در گزارشگری مالی و مربوط بودن اطلاعات حسابداری، مجله پژوهش های حسابداری مالی، ۳، ۹، ۱۲۷-۱۴۵.
۱۹. خواجهی شکرالله، گرگانی فیروزجاه ابوالفضل، (۱۳۹۲). بررسی رابطه ی بین ویژگی های هیئت مدیره و روش های تامین مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه علمی -پژوهشی مدیریت دارایی و تامین مالی، ۲، ۱-۲۳.
۲۰. دارایی، رویا و امام جمعه سیمین (۱۳۹۳). بررسی تاثیر ساختار مالکیت بر صحت پیش بینی سود، فصلنامه علمی پژوهشی، ۳(۱۰)، ۷۱-۵۵.
۲۱. رحمانی، علی؛ اثنی عشری، حمیده و ولی زاده لاریجانی، اعظم. (۱۳۹۰). محافظه کاری و محتوای اطلاعاتی اقلام صورت های مالی. بررسی های حسابداری و حسابرسی. ۱۸(۶۴)، ۵۷-۷۲.
۲۲. رسائیان امیر، (۱۳۸۹). بررسی تأثیر ویژگی های هیئت مدیره بر ساختار سرمایه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دوفصلنامه ی برنامه و بودجه، ۱۱۰، ۱۹۱-۲۰۴.
۲۳. رهنمای رودپشتی، فریدون؛ هیتی، فرشاد؛ طالب نیا، قدرت الله و نبوی چاشمی، سیدعلی (۱۳۹۱). ارائه الگوی سنجش تاثیر مکانیزم های حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، ۵(۱۲)، ۱۰۰-۷۹.
۲۴. زاير، آيت. (۱۳۸۸). جایگاه ساده سازی در برنامه های اصلاح مالیاتی: تجربه جهانی و چالش های نظام مالیاتی ایران. فصلنامه تخصصی مالیات، ۵۴، ۱۵۷-۱۸۴.
۲۵. زهی، نقی و محمدخانلی، شهرزاد. (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی (مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی). پژوهشنامه مالیات، ۵۷، ۲۵-۶۰.
۲۶. سازمان امور مالیاتی کشور، معاونت برنامه ریزی و پژوهشی، طرح برنامه ریزی استراتژیک سازمان. امور مالیاتی کشور، بیانیه مأموریت، چشم انداز و ارزش های سازمان امور مالیاتی کشور ۱۳۸۴.
۲۷. سلاجقه سنجر، صفدریان علی، خیری بهناز، (۱۳۹۳)، "رابطه مؤلفه های تعهد سازمانی با عوامل مدل پستل از دیدگاه مشمولین قانون خدمت پزشکان و پیراپزشکان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان (رویکردی استراتژیک)"، مجله تحقیقات نظام سلامت، ۱۰، ۱، ۳۰-۳۸.
۲۸. سهرابی ورزنده، حسینعلی؛ حساس یگانه، یحیی و بولو، قاسم. (۱۳۹۱). رابطه بین تجدید ارائه سود و محافظه کاری حسابداری. پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائیف دانشکده مدیریت و حسابداری.
۲۹. صالحی، مهدی؛ پرویزی فرد، سعید و استوار، مستوره. (۱۳۹۳). تاثیر عوامل فرهنگ مالیاتی در بین مویدان امور مالیاتی. پژوهشنامه مالیات، ۲۳، ۱۸۵-۲۱۴.
۳۰. عالم تبریز، اکبر و شایسته، رویا. (۱۳۹۰). ارزیابی و اولویت بندی برونسپاری فرآیندهای کاری مالیات ستانی در سازمان امور مالیاتی با رویکرد TOPSIS فازی. پژوهشنامه مالیات، ۱۰(۵۸)، ۱۸۹-۲۲۰.
۳۱. عباس زاده، محمدرضا؛ حصارزاده، رضا؛ جباری نوقابی، مهدی و عارفی اصل، سولماز (۱۳۹۴). فراتحلیل حاکمیت شرکتی و مدیریت سود، بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۲۲(۱)، ۸۴-۵۹.

۳۲. عباسی مجید، احمدی موسی، (۱۳۹۰). بررسی تأثیر دوگانگی وظیفه مدیرعامل بر ارزش شرکتهای پذیرفته شده بر ارزش شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه ی روند پژوهش های اقتصادی، ۱۹، ۱۱۳-۱۵۰.
۳۳. عرب صالحی، مهدی و هاشمی، مجید. (۱۳۹۴). تاثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی. بررسی های حسابداری و حسابرسی. ۲۲(۱)، ۸۵-۱۰۴.
۳۴. عرب صالحی، مهدی و هاشمی، مجید. (۱۳۹۴). تاثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی. بررسی های حسابداری و حسابرسی. ۲۲، ۱، ۸۵-۱۰۴.
۳۵. علی نژاد ساروکلانی، مهدی؛ بحرینی، مریم و طاهری، آرزو (۱۳۹۴). تأثیر سایر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر رابطه بین سرمایه گذاران نهادی و مدیریت موجودی کالا، فصلنامه علمی- پژوهشی مدیریت دارایی و تأمین مالی، ۳(۸)، ۷۵-۹۰.
۳۶. فلاحتی، علی؛ نظیفی، مینو و عباسپور، سحر. (۱۳۹۱). مدل سازی اقتصاد سایه ای و تخمین فرار مالیاتی در ایران با استفاده از شبکه عصبی مصنوعی. فصلنامه تحقیقات توسعه اقتصادی، ۶، ۳۳-۵۸.
۳۷. الماسی، حسن؛ مرجانی، امیربابک و قریشی، راهله. (۱۳۹۱). عوامل سازمانی مؤثر بر فرار از مالیات بر ارزش افزوده (مطالعه موردی اداره کل مالیات بر ارزش افزوده شهر تهران). پژوهشنامه مالیات، ۶۳، ۳۷-۵۰.
۳۸. محمود آبادی، حمید؛ و مهتری، زینب (۱۳۹۰). رابطه ی بین محافظه کاری حسابداری و کارایی سرمایه گذاری شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله ی پیشرفت های حسابداری دانشگاه شیراز، ۳(۶۱)، ۱۱۳-۱۴۰.
۳۹. مرادی، مهدی؛ رستمی، امین و تقی زاده، رضا. (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر فرار از پرداخت مالیات با تأکید بر عوامل فرهنگی. پژوهشنامه مالیات، ۶۶، ۱۸۱-۲۰۱.
۴۰. مشایخی بیتا، سیدی سیدجلال، (۱۳۹۴)، راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی. مجله ی دانش حسابداری، ۲۰، ۸۳-۱۰۳.
۴۱. مشایخی، بیتا و سیدی، سیدجلال. (۱۳۹۴). راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی. مجله ی دانش حسابداری، ۲۰، ۸۳-۱۰۳.
۴۲. موسوی جهرمی، یگانه؛ طهماسبی بلداجی، فرهاد و خاکی، نرگس. (۱۳۸۸). فرار مالیاتی در نظام مالیات بر ارزش افزوده: یک مدل نظری. فصلنامه تخصصی مالیات، ۵۳، ۲۷-۳۸.
۴۳. مهران، ساسان؛ و سیدی، سید جلال (۱۳۹۳). بررسی تاثیر مالیات بر درآمد و حسابداری محافظه کارانه بر اجتناب مالیاتی شرکت ها، فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۳(۱۰)، ۱۳-۳۳.
۴۴. مهرآذین، علیرضا؛ قبدیات، بشیر و تقی پور، محمد. (۱۳۹۲). مالکیت خانوادگی، غیرخانوادگی شرکت ها و مدیریت سود. دانش حسابرسی، ۱۳(۵۲)، ۱-۱۵.
۴۵. مهربانی مهدی، زلفی حسن، ملیحی سید علی، (۱۳۹۴). بررسی ویژگیهای هیات مدیره بر محافظه کاری حسابداری در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابرسی، ۵۸، ۱۷۱-۱۸۸.
۴۶. نمازی، محمد و ابراهیمی، شهلا (۱۳۹۲). بررسی تأثیر ساختار مالکیت و ترکیب هیأت مدیره بر کارایی فنی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله دانش حسابداری، ۴(۱۲)، ۵۷-۳۵.

۴۷. واعظ سید علی، قلمبر محمد حسین، قنواتی نسرين، رحمانی فاطمه، (۱۳۹۳). بررسی رابطه تمرکز مالکیت و ساختار هیأت مدیره با کارایی مدیریت سرمایه در گردش. فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت دارایی و تامین مالی، ۴، ۱۱۳-۱۲۸.

۴۸. هشی عباس، شیخی کیوان، رشیدی یدالله، درگاهی اسماعیل، پارچینی پارچین سید مهدی، (۱۳۹۳). بررسی تأثیر برخی از ویژگیهای هیأت مدیره بر نوع اظهارنظر حسابرسان. حسابرسی نظریه و عمل، ۱، ۹۱-۱۰۸.

49. Adebisi, F.J, & Gbegi, H. (2013). Effect of Tax Avoidance and Tax Evasion on Personal Income Tax Administration in Nigeria. *American Journal of Humanities and Social Sciences*, 1, 1, 3, 125-134.
50. Amran, Noor Afza., & Abdul Manaf, Kamarul Bahrain (2014). Board independence and accounting conservatism in Malaysian companies, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 164, 403-408.
51. Armstrong, C.S., Blouin, J., Jagolizner, A. and Larker, D. (2013). Corporate governance incentives, and tax avoidance. www.ssrn.com.
52. Armstrong, Christopher., Blouin, Jennifer., Jagolinzer, Alan., & Larcker, David. (2015). Corporate governance, incentives, and tax avoidance, *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 60, pp. 1-17.
53. Bajpai Aparna, Mehta Mita, (2014), "Empirical Study of Board and Corporate Governance Practices in Indian Corporate Sector: Analysis of CG Practices of ITC and ONGC", *Procedia Economics and Finance*, 11, 42-48.
54. Ball, R. & Shivakumar, L. (2005). Earnings quality in U.K. private firms. *Journal of Accounting & Economics*, Vol. 39, 83-128.
55. Bird, Andrew., & Karolyi, Stephen. (2015). Governance and Taxes: Evidence from Regression Discontinuity, *Tepper School of Business*, pp. 1-38.
56. Bliss, M. A. (2010). does CEO duality constrain board independence? Some evidence from audit pricing. *Accounting & Finance*, 51, 36-80.
57. Brandas, Claudiu. (2013). Formal representation of Corporate Governance Principles and Codes. *Social and Behavioral Sciences*, 73, 744-750.
58. Cao, Limei., Li, Wanfu., & Zhang, Limin (2015). Audit mode change, corporate governance and audit Effort, *China Journal of Accounting Research*, 8, 315-335.
59. Chen, S., Chen, X., Cheng, Q., Shevlin, T., (2010). "Are family firms more tax aggressive than non-family firms?" *Journal of Financial Economics* 95, 41-61.
60. Chi, Wuchun., Liu, Chiawen., & Wang, Taychang. (2009). What affects accounting conservatism: A corporate governance perspective, *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, Vol. 5, pp. 47-59.
61. Chyz, J., Gaertner, F., Kausar, A. & Watson, L. (2014). Overconfidence and Aggressive Corporate Tax Policy. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2408236>.
62. Dai, Bingbin., & Yang, Fan (2015). Monetary policy, accounting conservatism and trade credit, *China Journal of Accounting Research*, 8, 295-313.
63. Gill, A. , Mathur, N, (2011), "The impact of board size, CEO duality, and corporate liquidity on the profitability of Canadian service firms", *Journal of Applied Finance and Banking*, 3, 83-95.
64. Gill, A. Shah, C. (2012), "Determinants of corporate cash holdings: evidence from Canada", *International Journal of Economics and Finance*, 4, 7-90.
65. Gleason, C., and L. Mills. (2011). "Do auditor-provided tax services improve the estimate of tax expense?" *Contemporary Accounting Research*, 28 (5): 1484-1509.

66. Hanlon, M. & Heitzman, S. (2010). A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics*, 50, 127–178.
67. Hasseldine, J. and Morris, G. (2013). Corporate social responsibility and tax avoidance: A comment and reflection. *Accounting Forum*, 37, 1-14.
68. Hogan, B., and T. Noga. (2010). “The Association between Changes in Auditor Provided Tax Services and Corporate Tax Avoidance” Working paper, Northeastern University and Bentley University.
69. Hoopes ,Jeffrey L., Mescall ,Devan., Pittman ,Jeffrey A., (2012), “Do IRS Audits Deter Corporate Tax Avoidance”, *accounting review*, Vol. 87, No. 5.
70. Huseynov, F. and Klamm, B. (2012). Tax avoidance, tax management and corporate social responsibility. *Journal of Corporate Finance*, 18, 804–827.
71. Iatridis, George Emmanuel (2011). Accounting disclosures, accounting quality and conditional and unconditional conservatism, *International Review of Financial Analysis*, 20, 88-102.
72. Iatridis, George Emmanuel. (2011). Accounting disclosures, accounting quality and conditional and unconditional conservatism, *International Review of Financial Analysis*, 20, 88-102.
73. Jarboui, Sami., Guetat, Hazar., & Boujelbiene, Younes (2015). Evaluation of hotels performance and corporate governance mechanisms: Empirical evidence from the Tunisian context, *Journal of Hospitality and Tourism Management*, 1-8.
74. Kamau, Charles Guandaru., Mutiso Agnes, Ndinda., & Ngui Dorothy, Mbithe. (2012). Tax Avoidance and Evasion as a Factor Influencing ‘Creative Accounting Practice’ Among Companies in Kenya. *Journal of Business Studies Quarterly*, 4(2), 77-84.
75. Khani, A., Imani, K. & Molaei, M. (2013). Investigating the Relationship between the Industry Expertise of Auditor and Tax Avoidance of Companies Listed in Tehran Stock Exchange. *Audit Science*, 13 (51): 43-68.
76. Kholbadalov, Utkir. (2012). The relationship of corporate tax avoidance, cost of debt and institutional ownership: evidence from Malaysia, *Revista Atlántica de Economía*, Vol. 2, pp. 1-36.
77. Kiabel, B.D., & N. G. Nwokah, (2009), Curbing Tax Evasion and Avoidance in Personal Income Tax Administration: A Study of the South-South States of Nigeria. *European Journal of Economics, Finance and Administrative Sciences*.
78. Kousenidis, Dimitrios., Ladas, Anestis., & Negakis, Christos. (2014). Accounting conservatism quality of accounting information and crash risk of stock prices, *The Journal of Economic Asymmetries*, 11, 120-137.
79. Kravet, Todd (2014). Accounting conservatism and managerial risk-taking: Corporate acquisitions, *Journal of Accounting and Economics*, 57, 218-240.
80. Lara, Juan Manuel García., Osma, Beatriz García., & Penalva, Fernando. (2005). Accounting Conservatism and Corporate Governance, *IESE Business*, pp. 1-51.
81. Lim, Chu Yeong., Lee, Edward., Kausar, Asad., & Walker, Martin (2014). Bank accounting conservatism and bank loan pricing, *J. Account. Public Policy*, 1-19.
82. Lin, Fengyi., Wu, Chung-Min., Fang, Tzu-Yi., & Wun, Jheng-Ci (2014). The relations among accounting conservatism, institutional investors and earnings manipulation, *Economic Modelling*, 37, 164-174.
83. Makki, Muhammad Abdul Majid., & Lodhi, Suleman Aziz (2014). Impact of Corporate Governance on Intellectual Capital Efficiency and Financial Performance, *Pak J Commer Soc Sci*, 8, 2, 305-330.

84. Miskam, Misman., Noor, Rohaya., Omar, Normah., & Abd, Aziz Rozainun. (2013). Determinants of Tax Evasion on Imported Vehicles. *Procedia Economics and Finance*, 7, 205-212.
85. Mohamed Yunos, Rahimah., Ahmad, Syahrul Ahmar., & Sulaiman, Normala (2014). The influence of internal governance mechanisms on accounting conservatism, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 164, 501-507.
86. Mohammed Bhuyan, Ranjith Appuhami (2015). Examining the influence of corporate governance on intellectual capital efficiency: evidence from top service firms in Australia", *Managerial Auditing Journal*, 30, 4, 5, 1-44.
87. Muhrtala, Tijani Oladipupo., & Ogundeji. Mathias.(2013). Professionals' Perspective of Tax Evasion: Some Evidence from Nigeria. *Universal Journal of Accounting and Finance*, 1, 2, 35-41.
88. Neag, Ramona., & Masca, Ema. (2015). Identifying Accounting Conservatism- a Literature Review, *Procedia Economics and Finance*, 32, 1114-1121.
89. Owusu-Ansah, Stephen., Leventis, Stergios., & Dimitropoulos, Panagiotis. (2013). Corporate Governance and Accounting Conservatism: Evidence from the Banking Industry, *Corporate Governance: An International Review*, Vol. 21, No. 3, pp. 264-286.
90. Qiang, X., 2007. The effects of contracting, litigation, regulation, and tax costs on conditional and unconditional conservatism: cross-sectional evidence at the firm level. *Accounting Review* 82, 759-768.
91. Tariq,H.I, Rasha,M.E.(2011).Do Conditional And Unconditional Conservatism Impact Earnings Quality And Stock Prices In Egypt?.*Research Journal Of Finance And Accounting*. 2, 7-19.
92. Xia, Donglin., & Zhu, Song. (2009). Corporate Governance and Accounting Conservatism in China, *CHINA JOURNAL OF ACCOUNTING RESEARCH*, Vol. 2, No. 2, pp. 81-108.
93. Zaklan Georg, Frank Westerhoff and Dietrich Stauffer (2009), Analysing tax evasion dynamics via the Ising model, *Journal of Economic Interaction and Coordination*, No.1, Pp.1-14.

Investigating the impact of corporate governance and tax decisions on listed companies

Sedigheh Maleki Kheimeh Sari 1
Hadi Bashiri Chalkasari 2

Date of Receipt: 2022/04/07 Date of Issue: 2022/05/22

Abstract

One of the most important sources of income for the future is taxation. In addition to financing the government, the tax also controls liquidity and, while better distributing the country's income and wealth, spends it in the right places. Tax evasion and tax evasion in countries have led to lower tax revenues than estimated. Conservatism and tax avoidance are among the policies that can be used by companies for tax incentives. Evidence suggests that conservatism is a common and acceptable tool for reducing corporate income taxes, and that good corporate governance allows for timely disclosure and reporting by companies. Lack of proper corporate governance mechanisms can pave the way for opportunistic actions of managers; One of these opportunistic measures is to direct tax avoidance and tax evasion activities in their own interests, which can lead to a waste of tax resources. The various managers and stakeholders (shareholders, creditors, etc.) are realized. Reducing such problems increases the credibility of corporate offices and prevents tax avoidance and tax evasion. The quantity, quality and timeliness of information disclosed by company managers is one of the most important decision-making tools to prevent tax evasion and avoidance. This study examines the impact of corporate governance and tax decisions on listed companies. Books and articles have been collected by referring to reliable sources.

Keywords

Corporate governance. Tax decisions, corporate governance, listed companies

1. Master of Business Administration-Financial Management.
2. Master of Financial Management-Financial Management.